

چریکه های خیرنامه

فدائی خلق

مسماحه سازمان

۲

باید در جریان مبارزه توده ها
 در هر شکل و سطحی که
 باشد قرار داشت

"در تکثیر آن بکوشید"

بابل

در روستای غلوت واقع در سیزده کیلومتری بابا شنباده کج افروز که سه کیلومتر با نج افروز فاصله دارد زمینداری مرتضی پینام کیا احمدی که در سالهای گذشته با زورکوشی بخدمت این روستا و بکف سر نیزه زمین را از دست روستائیان بی چیز خارج ساخت پس از گذشت سالها مردی که این مدب دراز را سکوت اختیار کرده بودند شمس تصمیم میگیرند تکلیف ۱۸ هکتار زمین نامبرده را روشن کنند عینی روز دوشنبه ۲۳ / ۷ / ۵۸ مردی ده با شمار "مرتضی احمدی" مرت بر سر میاید از به راضی عیالی بسوی زمین پرداختند و با وسایلی چون تراکتور و غیره که به همراه آورده بودند جهت شخم زدن وارد زمین میشوند. آنان مشغول شخم زدن بودند که آقای احمدی این مرد مرتضی با ۶ سرباز به زمین میآید ولی چون خشم و نفرت و کینه روستائیان را میبیند خود یا بیست نهاده سربازان را جلو میفرستد. لیکن سربازان نیز دچار ترس شدند و یا دستاویز بی سیم که به همراه داشتند بلند از پر میسازند و فرار کردند که پس از این تمام ده سرباز به پیش رو روستائیان ورود سربازان را خندان جدی گرفته زیرا به اعتقاد آنان آمدن سربازان یا کینه جن ها موردی نداشت. اما چو لاله آشوند های مرتضی کینه هم پیدا شد که آمده به معظه پرداختند. آنها میگویند "دولت کار عا را روبرو خواهد کرد، دولت، دولت انقلاب است، صبر انقلابی داشته باشید" ولی روستائیان با این گفته ها جسورتر شدند و همچنان با سورت های بیس از خشم و تلا بکار خود ادامه میدادند تا اینکه دارو دسته احمدی مرتضی این مرد کینه به داخل زمین ریختند تا روستائیان را در درج حمله قرار دهند بین دو طرف درگیر ایجاد میشود که به زنجی شدن عده ای از دو طرف منجر میگردد. خود احمدی با جاقوی خویش و تن از روستائیان را همان مجروح کرد که یکسره به بیمارستان شاهپور سابق منتقل شدند و حالشان بسیار وخیم است و احتمال در

گذشتن میروند. روستائیان نیز که به وسایل مختلف از قبیل کتف - بیل - داس - تبر - نیزه و حتی اسلحه های شکار - ری قدیمی مانند تفنگه برنو مجهز بودند با کتف چنان بر سر احمدی کوفتند که شکافی در آن ایجاد شده خونریزی آغاز شده و هر چه تلاش کردند بند نیامد. همچنین روستائیان به اتوموبیل احمدی که در کنار جاده پارک شده بگردیوروش برده با تفنگهای خود لاله های آنرا سوراخ کردند و ماشین را بد داخل جوی آب انداختند. آنان تمام وسایل اتوموبیل را به آتش کشیدند. احمدی و داز و دستاش به بیمارستان منتقل شدند و پس از رفتن آنها دیگر کسی در آن محل توقف نکرد زیرا هر که با بزین میبنداد دستگیر و تیرباران میشد. این جریان بخوبی بیروستائیان نشان داد که دولت چگونه حامی سرمایه داران و زمینداران است روز سه شنبه ۲۴ / ۷ / ۵۸ روستائیان مجدداً بدون اطلاع کمیته و حضور از چهارده خویش با نفرت و کینه نسبت به احمدی و دار و دستاش تنها شمار "مرتضی احمدی" مرت بر سر میاید وارد زمین وی شده شروع به کار نمودند. از کمیته باید متعاً افرادی به آنجا رفته مدالین عنوان میکنند ولی کوشش روستائیان به همکار نیستند

بابلسر روز یکشنبه ۲۲ / ۸ / ۵۸ گروه زیادی از کشاورزان روستای دارابندین بهمنیر بابلسر به همراه زن و فرزندان خود به بابلسر آمده پس از راهپیمایی در خیابانهای شهر جلوی ژانده امری بی بابلسر تجمع کرده در حالیکه يك قلعه نامه و پلاکاردهایی با مضمون "مرت بر سید احمد احمدیان مالک خونخوار" ... در دست فرزندان آنها بود خواستار محاکمه این شخص مرتضی شدند. بگفته یکی از روستائیان اهالی این روستا قبل چند هکتار از زمینهای مالک مزبور را تصاحب کرده در آن به کشت و کار پرداخته بودند. از اینها در مذکور اخیراً بقصد گرفتن زمینهای خود عده ای از ایادی خود را اجیر

باید از مبارزات بروحق دهقانان برای تصاحب زمینهای که بر آن کار میکنند حمایت کنیم

کرده آنان را به درگیری با روستائیان نمود که این امر موجب زخمی شدن چند نفر از کشاورزان شد. کشاورزان اکنون با راهپیمایی و شکایت از شخص مورد نظر خواستار دستگیری و محاکمه فوری او بودند تا ضمن آنکه بدین طریق تحریکات از بی اثر شود محیط آرای برای برداشت محصول فراهم گردانند.

گزارشی از اخراج مدیران یک کارخانه

تاریخ ۱۴ و ۱۵ / ۷ / ۵۸ کارگران کارخانه کیلان فروش (شهباب سابق) واقع در شهر رشت (کیلو متره جاده رشت - قزوین) دست باغصاب زده و تقاضای اخراج دو تن از مدیران کارخانه بنامهای "دانیال" و "هاشمی" مدیران اداری و تولید کارخانه را می کنند. متقاضیان از ورود مدیران فوق الذکر بداخل کارخانه جلوگیری بعمل می آورند. مدیریت عام کارخانه که در تهران دفتر مرکزی اقامت دارد با پشتیبانی و ترغیب هیئت مدیره بعنوان اعتراض استعفا می نماید ولی عدای از کارمندان دفتر مرکزی با تماس با کارگران کارخانه بدنبال مدیر عام رفته و ترتیب برکشت بکار نامبرده را داده اند.

در حاشیه
۱- مدیریت عام از وجهه مردمی بین کارگران برخوردار می باشد.
۲- دو مدیر که شیوه ضد کارگری را اعمال می نمودند نسبت فامیلی نیز با یکدیگر داشتند.

۳- دو مدیر فون هر دو بنیز بزیم آید تلویزی اصلاحی (ایدئولوژی حاکم وقت) رفته و در تظاهر به دیانت و اسلام خواهی مشهور بودند.

۴- کارگران خواست خود را بعنوان اخراج با یک تابلو دم در کارخانه نصب نموده بودند. کارخانه در جاده اصلی مسیر رشت - قزوین قرار دارد.

۵- دو نفر مدیر از لریق مقامات دولتی نیز مورد تأیید قرار گرفته بودند.

۶- متقاضیان این برنامه یک هیئت مدیره (همپالکی) و مدیر فون) نیز اخراج میگردند.

ساری در تاریخ ۱۵۰ حدود روستائیان روستاهای پهنکلا و شکلا واقع در جاده ساری - سمنان ساختمان صنایع چوب کافتن سازندگان را تصرف کرده مانع از ورود کارگران شرکت بداخل ساختمان شدند. این روستائیان کسانی بودند که هنگامیکه زمینهای زیر کشت ایشان را بزرور و عده خریدیده بودند به آنها قول داده بودند که همگی آنها را در این شرکت استخدام کنند و این کار صورت نگرفته بود تا اینکه در این تاریخ دست به عمل شدند و گویا قبلاً چندین بار به مدیر اجرایی و مدیر عامل شرکت مراجعه کرده بودند که بخواست آنها ترتیب اثر دهند. در هر صورت دست به این عمل زدند و بعد از چند روز که نمایندگان آنها با مدیر عامل شرکت و همچنین استاندار مذاکره کرده و مدیر عامل و استاندار از به آنها قول داده اند که ابتدا ۵۰ نفر از آنها و بعد ده نفر دیگر در عرض مدت کوتاهی باقی مانده آنان را (از هر خانوار یک نفر) استخدام کنند تا بتوانند زندگی خود را تأمین کنند ولی با گذشت حدود سه ماه این عده تحقق نیافتن تا اینکه در روز چهارشنبه ۱۷ / ۷ / ۵۸ شایع شد که روستائیان میخواهند روز سه شنبه بازم ساختمان شرکت را تصرف کنند. مدیر اجرایی شرکت با استاندار تماس گرفت و مسئله را بازگو کرد. استاندار در جواب میگوید از من کاری ساخته نیست و من به اعتبار گفته های شما که قول استخدام داده بودید قول دادم و این مسئله مربوط به شرکت میشود.

در ارتقاء مبارزه کارگران پکویشیم

وارد ساختمان شرکت شدند و از تمام کارکنان شرکت خواهش کردند تا از ساختمان خارج شوند و تمام کارکنان از ساختمان بیرون آمدند و چند ساعتی در محوطه شرکت بودند و بعدا همگی به خانه هایشان رفتند. در روز یکشنبه ۲۱ / ۷ / ۵۸ کارکنان به محد کار میروند ولی این بار با خشم و غضب روستائیان مواجه میشوند و روستائیان میخواهند کارمندان را کتک بزنند که آنها به شهر بر میگردند ولی دو نفر از کارگران شرکت مانا را که پیمانکار صنایع چوب و کاغذ است کتک میزنند که کارگران شرکت مانا برای مقابله با آنها موضع گیری میکنند که با وسالحت چند کارمض قضیه فیصله پیدا میکند. اما از طرف دیگر کارکنان شرکت صنایع چوب برای حل مسئله به استانداری مراجعه میکنند و در جلوی استانداری بعضی از کارمندان تجمع در آن محل و درخواست فرستادن پاسدار جهت بیرون راندن روستائیان را کار درستی ندانستند و می گفتند که باید مدیر عامل و استاندار که به آنها قول داده ولی آنها را استخدام نکرده اند جوابگو باشند و ما هیچ اختلاقی با روستائیان نداریم ولی بیشتر کارکنان می گفتند که نه چرا ما را میخواستند کتک بزنند و اشغال شرکت باعث میشود که شرکت را تعطیل کنند و ما ارباب خوردن بیقیمت در هر ساعت مدیر اجرایی با معاون استاندار تماس گرفت و قرار شد که گروه تحقیق به آنجا برود تا رهبران آنها را شناسایی کنند که بعد از مدت دو ساعت گروه تحقیق برگشتند و اسم چند نفر را بعنوان رهبر به همراه آوردند. بعد از ظهر مدیر اجرایی و یک نفر از اعضای شورای کارکنان و مدیران قسمتهای مختلف با سپاه پاسداران صحبت کردند و آنها گفتند که ما پاسدار با اسلحه نمی فرستیم تا ضد انقلابیها نتوانند سواستفاده کنند ما رهبران آنها را دستگیر خواهیم کرد لازم به توضیح است که روز سه شنبه به آنها قول داده بودند که تعدادی ۶ نفر را استخدام کنند که آنها قبول نکردند و خواست آنها این بود که از هر خانواده یکبار یک نفر استخدام شود و گویا در درون خود آنها اختلافی وجود داشت که بعضی با طرح آویز و بعضی ها مخالف.

در هر صورت قرار است که فردا پاسداران با یک شیخ به محل

این رفته و با روستائیان صحبت کنند. بازم لازم به یاد آوری است که در روز سه شنبه آنها مدیر اجرایی را گروگان گرفته بودند ولی نامبرده به آنها کتک زده و گفته بود مرا آزاد کنید تا بخاطر کار شما بشهر پیش استاندار رفته ساعت ۴ بر میگردم روستائیان او را آزاد کردند ولی او پس از رفتن دیگر برگشت.

قصاصت شهر (شاه سابق)

در تاریخ ۲۴ / ۷ / ۵۸ روز سه شنبه ساعت ۱۰ صبح بیش از هزار نفر از قاضی التحصیلان بیکار به قصد اعتراض بر علیه بیکاری بعد از یک راهپیمایی کوتاه در جلوی فرمانداری اجتماع کردند و به این شعارهای صغی پرداختند اما در همین موقع تعداد ۱۵۰ نفر فالانژ معلوم الحال که در صف بیکاران رخنه کرده بودند با در دست داشتن عکس خمینی به دادن شعارهایی مانند "قدایی انگل اجتماعی" کردند اما بیکاران متفرق نشدند لیکن عمل این افراد باعث شلوش گردید سپس فرماندار در بالکن فرمانداری ظاهر شد و از بیکاران خواست مسائلشان را مطرح کنند در جواب بیکاران که دردی جز بیکاری نداشتند فرماندار چنین گفت که این کارها لزومی نداشته و ما نیز مشک شما را میدانیم و سپس گفت شما میتوانید در جهاد سازندگی شرکت کنید و ما میتوانیم پول شما را بدهیم که مورد اعتراض بیکاران واقع شد و بیکاران گفتند که ما زن و بچه داریم و باید رومادر خود را نان مید و پول سیگار دردی را دروا نمی کند. با شلوغ کاری فالانژها صد مسائل از مسیر خود خارج شد بعد فرماندار به اتاق خود رفت. بیکاران با شعار "وای بروزی که شود آشکار نقش توای مرتجع جیره خوار" به تظاهرات خود پایان دادند و اعلام نمودند که به تحصن و راهپیمایی و تظاهرات خود ادامه خواهند داد هر چند که مورد ضرب و شتم و بیگناشتار قرار گیرند.

روز دوشنبه ۸۸/۷/۹ حدود دوستانه نفر از دیلمه های بیگار شهرستان ساری جلوی استانداری این شهر متحمن شده و خواستار ملاقات با استاندار شدند تا به خواسته هایشان پاسخ دهد. بهر روز زمان به تعدادشان اضافه میشد تا اینکه به انتخاب پنج نماینده پرداختند و قرار شد که نمایندگان به نزد استاندار رفته از او تقاضا کنند که به نزد دیلمه ها بیاید و به عنوانشان پاسخ دهد اما آقای معاون با ملاقات سه تن از نمایندگان موافقت نمود در ملاقات با نمایندگان آقای استاندار ساعت چهار بعد از ظهر روز یکشنبه هفته بعد را وقت دادند نمایندگان بر گشته و موضوع را بازگو کردند و اجتماع منفردی شد تا روز یکشنبه هفته بعد یعنی تاریخ ۸۸/۷/۱۰ در طی این هفته بقیه دیلمه ها هم از موضوع آگاه شدند و روز یکشنبه حدود ۱۰۰۰ نفر دیلمه پسر در جلوی استانداری اجتماع کردند ولی از آقای استاندار خبری نبود و اسداری که مأمور حفاظت آنجا بود گفت ایشان به مأموریت رفته اند دیلمه ها در ازای این جواب تصمیم گرفتند فردا صبح مراجعت نموده اثر بازجویی دریافت نکردند دست به راهپیمایی بزنند و یکی از نمایندگان به نزد دادستان انقلاب رفته و اجازه دریافت دارد روز بعد دوباره اجتماع دیروزی تشکیل شد ولی از آقای استاندار خبری نبود نمایندگان به نزد آقای معاون رفته از او تقاضا کردند ولی در جواب آقای معاون گفتند به من هیچ مربوط نیست در همین اثنا نماینده های که نزد دادستان انقلاب رفته بود مراجعت نمود و گفت ایشان گفتند راهپیمایی نکنید بهتر است ولی دیلمه ها با این گفته مخالفت ورزیدند و تصمیم به راهپیمایی گرفتند پلاکاردها تهیه شد و شعارها معین گردید و انتظامات را هم خود دیلمه ها بعهده گرفتند در مسیر راهپیمایی که قبلا مشخص کرده بودند براه افتادند و پیر از علی خیابان فرهنگند و شاه عباس را به "پاسلست" رسیده و در آنجا قلعنامه ده ماده ای خود را قرائت نموده و در آخر اضافه نمودند که اگر در روز چهارشنبه ۸۸/۷/۱۸ سلامت ده صبح آقای استاندار در اجتماع آنها حضور نیابد

آبسد در روز شنبه ۸۸/۷/۲۴ راهپیمایی سر تا سری در تمام کشور پوشیده دیلمه های بیگار اعلام شد دیلمه های آب حدود ساعت ۱۰ در جلوی آموزش و پرورش ایستادند شهر برنامه حرکت خود را اعلام کردند. در این راهپیمایی گروهی از دانش آموزان شبانه هم اعلام همبستگی کردند و بخاطر نداشتن تیزهیزخواستند اعتراض خود را بسکون مسئولین دولت برنشانند. در همین حرکت دانش آموزان روزانه هم به حمایت از دیلمه های بیگار برخاستند و بدنیان آنها شری به راهپیمایی نمودند. عبد راهپیمایان ضمن حرکت از جلوی شهرداری جمهوری اسلامی گذشت و به بازار نزدیک شد در اینجا عده ای با حمایت پاداران مسلح با شمشیر مرت بر سه فسدین فدایی - دمکرات - منافقین در نزدیکیهای شهرداری بدنیال نظاهرکنندگان و دیلمه های بیگار براه افتادند. دیلمه های بیگار که از روحیه خوبی برخوردار بودند برای درگیری هم وید را آماده کرده بودند ولی افراد معلول المعان و جیرمخوار جمهوری اسلامی به آنها نزدیک نشدند و فقط شعار مرت بر کونیست و... میدادند. جمعیت نظاهرکننده که در حدود ۲۰۰ نفر بودند و مردم کنار خیابانها هم در ضمن صحبت ایراز همدردی میکردند با یکدیگر نسبت به آنها ایراز همدردی میکردند. شعار نظاهرکنندگان - ارتجاع و امپریالیسم نابود است بیگاری عام هر فساد است - نار کار دولت انقلابی بازگان کار در ضمن شعارهای از خمینی و پلاکاردهایی که قلعنامه سرتاسری دیلمه های بیگار بر آن نصب بود در دست داشتند - از سوی دیگر در همین روز گروهی که همیشه سنت مردم را به سینه میزنند در سالی شهر اعلامیه ای بنا عده ای از دانش آموزان آمد پخش کردند که در آن مردم خواسته شده بود در باز کردن اداره آموزش و پرورش دانش آموزان

را یاری کنند آنان بعد تجمع خود را فرمانداری آب و زمان اجرای برنامه خود را روز بعد اعلام کردند. روز ۸۸/۷/۲۵ دیلمه های بیگار جلوی اداره آموزش و پرورش جمع شدند. ۱۱ روز است که این اداره بدست دیلمه ها است. فلانوها در فرمانداری جمع هستند و از فرماندار تقاضا دارند که پاداران را بکک آنان بفرستد تا اداره آموزش و پرورش را باز کنند. فرماندار از آنها میخواهد که بدنیان چند نفر دیلمه بیگار بروند تا با هم مذاکره کنند ولی میانی که فرماندار باشد نتوانست کاری از پیش ببرد دیلمه های بیگار مرکزونه مسئولیت و پسر آمد ناچار را به عهده فرماندار و رئیس اداره آموزش و پرورش گذاشتند. فرماندار به فلانوها میگوید شما بازارها را بیاورید اینجا تا من بتوانم پاداران را بکک شما بفرستم فلانوها هم داخل بازار میشوند که از بازاربان کک بگیرند اما سرشان بسنه میخورد و ناری از پیشانی بریند در ضمن باید گفت کارکردن این دسته چند نفر هستند که از میانشان فرهر نامی تدارک برنامه را میبندد و اعلامیه های مربوط به نجوم تفکر خود را تکثیر میکند. نظار لک دفتر چهارم سازندگی و جمهوری اسلامی شام حان نامبرده میباشد. فلانوها که در حدود ۶ نفر هم نبودند بعد از ظهر برای پسر شاندر جهره رسوا و آبرو باخته خود نماز وحدت را در جلوی اداره آموزش و پرورش میخوانند و متغون میشوند در حالیکه دیلمه های بیگار هم فریاد میزنند فردا صبح ساعت ۷/۵ جلوی آموزش و پرورش

در جستجوی علت واقعی بیگاری با ما هستیم تا بتوانیم در مورد آن موضع انقلابی اتخاذ کنیم

آموزش و پرورش رسانندند - این مزدوران توانستند در آموزش و پرورش را بازکنند در صورتی که بجز چند کارمند ساده برای در آنجا نبود - اگر کسی میخواست برای کارهای جزئی داخل اداره شود مانند ماموران ساواک ستوان میگردند که کاری دارند و اگر از طرف پرخاس میدیدند به زبونی می افتادند و معذرت میخواستند که ببخشید این افراد اکنون چنان نقش مزدوران را بازی میکنند که در نتیجه فوجی تا یکی از آنان سرخرا بلند میگردد و هویتش مشخص شده میشد جمعیت بیچ کمان میگفت این یارو از آن فالانژهاست حدود ۲۰ روز بود که اداره آموزش پرورش نیمه تعطیل و یا کلاً تعطیل بود - در حدود سلطنت ۱۱ باران شدیدی شروع به باریدن کرد - خیابانها را آب فرا گرفت دیلمهای بیکار تصمیم به راهپیمایی گرفتند در شروع حرکت چندین ده نفر بودند و بعد از شروع حرکت قوتی بسه مقابل دبیرستان خمینی رسیدند عده ای از دانش آموزان به آنها پیوستند و بعد از آنکه مدتی دانش آموزان دختر دبیرستان سرور آلا در پیش نیز به آنها پیوستند از جلوی شهرتانی جمهوری اسلامی هم گذشتند مردم و بازاریها یا حالت بیطرب داشتند یا آنان را تشویق میکردند مشاهده شده چند نفر بازاری هم به تظاهرکنندگان پیوستند - بعد از مدتی راهپیمایی به اداره آموزش و پرورش بازگشتند - فالانژها چون گذشته شمار میدادند "حزب فلاح حزبالله با این تفاوت که اینبار شمار مردم بر ارتجاع را هم جاشن اس نموده بودند ."

الانژها با دیدن محصلیت شمار دادند که "صلحین از بیکارها دا شوید" و بعد از مدتی با پیوند چند متر تظاهرکنندگان فرود شدند .

ر اعلامیه توضیحی که دیلمهای بیکار پخش کردند خطاب به های که خود را دانش آموز جا میزنند گفته شد ما فدایان قدسین سنیم و مانند کارگران و دهقانان بیکار هستیم که طالب حقوق

خود میباشیم و شما همیشه با این لحن همه ما را مورد طعن و لعن قرار میدید صدای شما و جملات شما با اعلامیه های جمهوری اسلامی یکی است لکن خود را در پوشش دانش آموزان مخفی کرده اید - ش

شمار تظاهرکنندگان "مرد بر ارتجاع و امپریالیسم" - نظام سرمایه داری عامل بیکاری است - بیکاری - بیکاری عامل هر فساد است - نظام سرمایه داری نابود باید گردد -

کار - کار دولت بازگان کار امپریالیسم و ارتجاع عامل هر فساد است و از سختی و گرانی مردم به تنگ آمدند -

گزارشی از فرید و ننگار

در کارهای های دریای خزر از زمانهای خیلی قدیم یکی از رایج ترین راههای امرار معاش بسیاری از زحمتکشان صید ماهی و فروش آن در بازار آزاد بود - که رژیم ضد خلق گذشته با مشروع کردن صید آزاد ماهی و در عین حال انحصاری کردن صیادهای گوی و سرانیز نمودن عواید ناشی از این صید خلق به جهت بیکانگان در واقع شریان حیاتی این زنجیران را قطع نمودند -

صیادان پس از تحمل مصائب بیشمار در زمان رژیم شاه مزدور سر انجام بهمت قیام شکوهمند خلق قهرمان ایران این امکان را یافتند که دوباره ثمرات صید را در اختیار خود گرفته آزادانه بکار ماهیگیری بپردازند و بدین طریق شکم زن و فرزندان خود را سیر کنند - اما اخیراً دولت موقت نیز برای آنان مشکلاتی بوجود آورد و این زحمتکشان بر کار را بروزگار سیاه نشانده -

ماهیگیران که به علت اقدامات دولت از قبیل لغو پروانه صید و سایر اقدامات تزیینی) نمر در آمدشان قطع شده جان زن و فرزندان خود را در خطر میدیدند جهت اعتراض بسعه تصمیمات و اعمال مسئولان امر در روز جمعه ۲۰ / ۷ / ۵۸ در فرید و ننگار دست به راهپیمایی زدند - در این راهپیمایی که

اتحاد مبارزه پیروزی

صیادان فرید و ننگار - لشتروند - محمود آباد و با بلیسر شرکت داشتند - دستگیری و محاکمه رئیس شیلات درخواست شد بگفته ماهیگیران رئیس مذکور ضمن استفاده نادرست و ناسازگار از ماهیهای عمید شده توسط ماهیگیرانی که در استخدام شیلات هستند کلاه شدن ماهی را بگردن ماهیگیران میگذارد نه بگردن سیاحتیهای ضد مردمی دولت - ماهیگیران برای رسیدن کی به وضع خود چندین بار به خمینی نامه نوشتند اما تا اکنون جوابی دریافت نداشتند - لذا ضمن تظاهرات به ژاندها و رسمی محل رجوع نمودند تا از آنان پاسح را دریافت دارند اما با جواب سرد مسئول روبرو شدند - بدینجهت دست به گروگان گیری (تروکوب افراد بزرگان گرفته شده طبق شیامات مختلف متفاوت برد) زدند لکن مدتی پس از اقدام به این عمل بسه میانجیگری چند نفر گروگانها را رها کرده از ژاندها امری تری تمسقب موضوع را گرفتند - آنان شکایت دیگری نیز به خمینی نوشته به قم ارسال نمودند - در جریان تظاهرات یکسوی از بازاریهای فرید و ننگار به ماهیگیری میگفت شما سزاوار این تفضیلات هستید زیرا عمین شماها هستید که ماهی را کران میفروشید - و ماهیگیر در جواب گفت "دلیل گرانفروشی ما این است که شما و اطفاا شما اجناس مورد نیاز ما میفروشید و روغن و تخم مرغ و را احتکار میکنید و وقتی به بازار عرضه میکنید با قیمت گران بفروش میرسانید ما اگر به قیمتهای نیفا - فیم از پس خرید آنها بر نمی آئیم"

چه این کاسبکار چه آن ماهیگیر شریف زحمتکش کلاه گرانفروشی را بگردن یکدیگری انداختند نه بگردن انحصارطلبان که مناقشمان بروز این وضع را ایجاب میکند - ماهیگیران روز یکشنبه ۲۲ / ۷ / ۵۸ مجدداً در فرید و ننگار و با بلیسر اجتماع کردند - چند تن از فالانژها نیز به اجتماع آنان آمده بپرایشان صحبت میکردند یکی از فالانژها میگفت اگر خمینی بداند که خائنیش چون رئیس شیلات و امثال وی دست به چنین اعمالی

میزنند جا بجا آنها را میکشد و افزود "اینها افرادی مخالف رژیم هستند که عیداً دست به این اعمال میزنند"

اما ماهیگیران که تغییر در سازمانها و نهاد های ضد مردمی گذشته ندیدند گوششان به سخنان آنها بدهکار نبود یکی از ماهیگیران میگفت اگر به وضع ما رسیدگی نشود تمام تورهای ماهیگیری شیلات را آتش میزنیم -

کسزار شس کوتاه از کسر دستمان

روز ۱۱ / ۷ / ۵۷ رزمندگان سازمان انقلابی زحمتکشان در چند نقطه بین مهاباد و میاندوآب راه بندان ایجاد کرده و در یک درگیری که با پاسداران غیر بومی میاندوآب در گرفت ۳ نفر از پاسداران کشته و یک نفر زخمی و یک نفر به گروگان گرفته شد - نیم ساعت بعد از این درگیری حدود ساعت ۶ / ۷ یک واحد ۱۲ نفری از رزمندگان میاندوآب (سازمان انضامی زحمتکشان) در ۱۲ کیلومتری میاندوآب لو ماشینهای عبوری را که از مهاباد عازم میاندوآب بودند گرفته و شروع به بازرسی نمودند - آنان بدنبال ۵ نفر افسر نه گزارشانی از آنان قید برایشان رسیده بود میگفتند -

این بازرسی با خوش رفتاری شروع شده بود - ۴ نفر افسر را رزمندگان از اتومبیل پیاده کردند و بعد از یک کیلو متر راهپیمایی / آنها را سوار بر دو دستگاه اتومبیل کسه در یک کیلو متری در زیر یک کوه منتظر ایستاده بود نمودند گفته میشود وقتی که اتومبیل از روستا ها عبور میکرد مردم میدویدند و میگفتند جهاد آوردند / جهاد آوردند -

پس از مدتی گروگانها را از ماشین پائین آورده و بسه مسجد ده بردند و دلی از این افسران عذر خواهرسی نمودند و بعداً تانزدیکی برای این افسران در دستور اهالی از آرمان های انقلابی و برحق خلق ستندیده کرد صحبت کردند / آنها باین افسران نشان دادند که این مردم کردستان هستند که برای حق خود بپاخواستند

ببینید اینان مردم ستم دیده کرد هستند که در اینجا جیح شدند / در اینجا از ضد انقلاب / عمال شاه و پالیزبان خبری نیست
آنطور که این روزها رژیم برای پوشاندن جنایت خود و برای تحریک احساسات پاک مردم بوق و کرنا راه انداخته است / آفتاب
حقایق هرگز زیر ابر سیاه برای همیشه باقی نخواهد ماند . ^{بگذرد} خورشید بدرخشد آنگاه تمام پلیدیها را از روز زمین پاک خواهد
کرد . صبح روز بعد انقلابیون گروگانها را در ۱۰ کیلو متر مهلک آزاد کردند .

در پی این جریان کمیته و پاسداران تعطیل رسمی اعلام کردند و به مغازه داران گفتند دکانهایشان را ببندند و تظاهرات
انجام دهند . آنها مدرسه ها را تعطیل کرده و بچه های دبستانی را بخوابانها آوردند که در مجموع تعداد بچه ها در حدود
۴۰۰ نفر بود .

ساری

الندان دهی در دوازده فرسخ جاده ساری - سمنان است . در کنار این ده طرح بهره برداری جنگ الندان قرار دارد
که مجری طرح سرهنگ شمر میباشند و مدت پانزده سال است از آن بهره برداری میکنند . اما اکنون یکماه است که ایشان
با مشکلاتی مواجه شده اند . زنان اعتراض روستائیان علیه او است . روستائیان معتقدند که این جنگ تعلق به آنها دارد و باید
در در آمد آن سهیم باشند . بدین منظور جلوی ماشینهای حامل جوب را گرفته و آنها را آنرا تخلیه نمودند تا اینکه جناب سرهنگ
مجبور به مذاکره شد و در این مذاکره تصمیم بر این شد که مبلغ هزار تومان (در مدت پنج ماه از قرار ماهی ۱۰ هزار تومان)
برای ساختن گرمابه به روستائیان برپا برداخت شود که به موافقت طرفین انجامید اما بجزی نپائید که روستائیان که روستای مجاور
یعنی " ازنی " شروع به طغیان کرد و از ورود خورج ماشینهای این طرح جلوگیری نمود به این دلیل که ماشینهای حامل جوب
از جاده این ده میگذارد و صاحب طرح وظیفه دارد جاده را که به علت رفت و آمد زیاد ماشینهای طرح مخروبه شده است
تعمیر و مرمت کند .

گزارشی از انزلی

.....

روز دوشنبه ۸۸/۷/۲۲ خون پاک زحمتکشان و مبارزان انزلی مرداب انزلی را سرخزنه کرد حتی در آبهای ساکت مرداب نیز خون
که از تلبهای سرخ زحمتکشان جاری شده بود از جوشش نیفتاد بلکه در امتداد خالی سن بسوی دریای فراع آزادی خروشید تا به
پهیندگان راه راهی راستای حرکت را نشان دهد . رویداد دردناکی که در این خله از خاک میهنمان گذشت یکی دیگر از وقایع
ناگوار است که مبارزان صدیقی را به برخورد هر چه جدی تر با صائین فرا میخواند جریان واقعه از این قرار است:

از سوی شیلات از صید آزاد ماهیگیران جلوگیری بعمل آمد . صیادان سه نماینده به نزد مقامات مسئول گسیل داشتند تا بر سر
حکوتی امر ماهیگیری به توافق برسند و موافقت کنند که صید ماهی در طریق شش ماه از سال آزاد و طی شش ماه باقیمانده برای
تخم گذاری ماهیها ممنوع باشد . لیبی قرارداد بنا شد . آخرین (صیادان آزاد شیلات) تا تاریخ ۸۸/۷/۲۵ صید نگذند اما در
تاریخ ۸۸/۷/۲۳ شیلات تیر انداخته ۸۰ هزار ماهی صید نمود . صیادان پس از اطلاع از جریان به شیلات رفته تیر را پاره و ماهی
ها را نابود کردند . در نتیجه شیلات برای مقابله با آنان پاسداران را بکلیت لیبید . پاسداران پس از حضور در محل شیلات برای
متفرق کردن جمعیت صیادان دست به تیراندازی زدند که منجر به زخمی شدن عده ای از افراد جمعیت شد . این عطف آنان خشم مردم
را برانگیخت و مردم بسوی پاسداران هجوم بردند . پاسداران در داخل ساختمان شیلات پناه گرفتند و صیادان نیز با آتش زدن
تورهای مجاور ساختمان حریق ایجاد کردند که چون هر لحظه بیشتر ساختمان سرایت میکرد پاسداران را وادار به خروج از آن
نمود . ایشان پس از بیرون آمدن شروع به تیراندازی کردند که در نتیجه آن ۲ نفر کشته و عده ای مجروح شدند . وقتی واقعه بسکوش
مسئولین بالاتر رسید آنان به نیروی دریایی دستور خلع سلاح پاسداران را دادند اما در مذاکره ای که بین طرفین در گرفت توافق
حاصل نشد و با وضعی که پیش آمده بود از سوی پاسداران بسوی افراد نیروی دریایی تیراندازی شد که سبب کشته شدن یک گروهی
دوم مهناوی گردید . نیروی دریایی برای جلوگیری از گسترش زد و خورد ها عقبنشینی نمود لکن مردم خشمگین بسوی پاسداران یورش
بردند . پاسداران که غافلگیر شده بودند در حین فرار تیراندازی میکردند .

سنا از آنان از مقر نیروی دریایی بسمت پارک موتوری میکشیدند و در حین حرکت تیراندازی مینمودند مرد که بدنهای آنان حرکت
میکردند در انتهای پارک که دیوار جلوی راه پاسداران را سد کرده بود آنان را بچینه آورده با چاقو تکه تکه نمودند و در این آشنا
پاسداری که بسوی پی در حرکت بود توسط گلوله مرد کشته شد . اخبار جریانات در شهر پیچید و مردم به خیابانها ریختند . در
این بین مردم به پاسداری که از بالای برج ساعت تیراندازی میکرد دستیافته او را هم کشتند . سپهر به مقر پاسداران رفته آنجا را
مورد حمله قرار دادند . پاسداران خارج شده دوان دوان محل را ترک نمودند . پس از آن مرد که به زیر زمین ستاد رفتند و در آنجا
به کشف اشیا نیز نائل آمدند یک دستگاه مشروب سازی مقدار زیادی بطریهای محتوی عرق پودر رخنشویی - صابون - روغن و غیره
از سوی دیگر مردم به ساختمان " جاما " حمله کرده آنرا خراب نمودند و عده ای نیز به کلانتری یورش برده آنرا به آتش کشیدند که در
نتیجه مقداری اسلحه بدست مردم افتاد . زملش که عده ای از مردم نزدیک باشگاه نیروی دریایی بودند پاسداران از آنظر خروارخانه
شروع به تیراندازی نمودند . هر جا پاسداران فراری بچنگ مردم میافتادند مرد در انتظارشان بود . یک پاسدار را در حین تعویض
لباس و پاسدار دیگر را در حمام گرفته کشتند . جمع پاسداران کشته شده که مردم دیده اند ۱۸ نفر بود . عده کشته شدگان از مرد ۲۳
نفر بود یک راننده آمبولانسر که از رشت جهت کمک و حمل مجروحین آمده بود بضرط گلوله کشته شد . یک راننده آمبولانسر نیز
توسط مردم با چاقو کشته شد . یکی از شهدا مسافری از تهران بود که حین پیاده شدن از اتوبوس لوان تور مورد اصابت گلوله قرار

.....

گرفت و نیز چند نفری که برای بیمارستانها از خانه مرد پتو و ملاطه حاف میگردند مجروح و کشته شدند و همچنین تعداد کشته شدگان نیروی دریایی سه نفر بود. یک پاسبان نیز کشته شد تعداد زخمیها حدوداً ۱۲۰ نفر بود مردم از مداوای پاسداران زخمی در شهر انزلی جلوگیری بخت آوردند علیرغم ناچار شدن آنها را به شهرهای دیگر ببرند. مردم اعلام کرده اند دو پاسدار محلی فراری به اسامی محمدخواه و پورنما را خواهیم کشت علاوه بر این تلفات و آسیبهای جانی و علاوه بر ساختمانهایی که لطمه حریق شدند یک اتوموبیل در جلوی ساختمان شیلات و دو اتوموبیل نیز در جلوی ساختمان ستاد پاسداران واژگون شده به آتش کشیده شدند. هم چنین مردی ماهی فروشی واقع در خیابان ساختمان شیلات را برای جلوگیری از سرایت آتش به سایر مغازهها ویران و سائلش را نابود کردند. از سوی دیگر در بیمارستان یک "خواهر" قصد داشت با حاقو به یک نفر مجروح حمله کند که دستگیر گردید علت حمله این شخص بگفته خود وی گویست "بودن فرد مجروح بود جهت جلوگیری از صدمه دیدن احدالی مجروحین از سوی مراجعین کلیه مجروحین بیمارستان ممنوعالمرافقات هستند. تیر اندازی روز سه شنبه ۵۸/۷/۲۴ نیز از ساعت ۱۱ شروع شد. تیراندازی روز چهارشنبه ۵۸/۷/۲۵ که بوسیله نیروی دریایی انجام شد نیز از ساعت ۱ بعد از ظهر شروع شده تا پاس از نیمه شب گذشته (ساعت ۱۲) بعد از نیمه شب ادامه داشت. مقصود نیروی دریایی از این عمل دور کردن مردم از مکانهای حساس بود. البته مردم نیز با شلیک کلوله جواب آنانرا دادند بالاخره روز جمعه ۵۸/۷/۲۷ شهر خالی از هر گونه پرسنل ارتشی بود. ضمن پست نگهبانی در محل در ورودی مقر سپاه پاسداران خالی از هر گونه نگهبان بود. شاید از ترس مردم بد اخلاق با نگان رفته بودند که غیر از شهرتانی در کلیه پادگانها بسته است پس از این جریانات صیادان از استارا تا رشت با صیادان بندر انزلی اعلام همبستگی نمودند. همچنین در جریان تشیع جنازه سای که در رشت برای دو شهید شهر بره افتاد پاسداران با تیر اندازی بسوی مردم چند تن از آنان را مجروح نمودند. مردم انزلی سوگند خورده اند که اگر در انزلی احدی از پاسداران را مشاهده کردند آنانرا بکشند. مردم فریاد میزدند "جای زسیرم خالی نظم تصاویر خمینی در سطح شهر پاره شده است. پاره ای از شعارهایی که بر در و دیوار شهر نوشته بدینقرار است.

بر این حکومت فاشیستی خلق بخون میشد کیمت انزلی مرد بر حکومت فاشیستی و دیکتاتوری خمینی مرد بر پاسداران درود بر خلق رزمنده و زخمیگر کرد مرد بر خر خالی مرد بر حکومت فاشیستی آخوند بسم نون باز خرید آزادی است مرد بر پاسداران انزلی قاتل شهیدان انزلی مرد بر خمینی سپاه پاسداران حاص مرتجعین ازای یک شهید دو پاسدار کشته باید شود صیاد انقلابی راهت ادا نه دارد دیکتاتوری نابود است صیاد انقلابی پیروز است نلوی سپاه پاسداران با ترکیب از رنگهای سپاه و سرخ و سبز زینت گشته شده:

ولت که نتواند مملکت را از سلطه اقدار دشمنان خارجی نجات دهد وظیفه مرد است که برای خلاصی و نجاتش قیام کند.

هیلتلر آسوده بخواب زیرا خمینی راحت را اداه میدهد.

دست امپریالیزم و جیره خواران داخلی آنها از منابع طبیعی کشور ما کوتاه باد

نظریه کوشه در مورد "اتحادیه میهن پرستان کردستان عراق"

بعد از خیانت و شکست مفتضانه "پارتی دمکرات کردستان" برعبری ملا مصطفی بارزانی و قرارداد تنگین و خائنه الجزایر (۶ مارس ۱۹۷۵ - اسفند ۵۴) بین ایران و عراق "پارتی دمکرات کردستان" متلاشی گردید. عده ای به عقارت تسلیم تن ندادند و در کنار رژیم فاشیستی بعث عراق قرار گرفتند و عده ای دیگر تسلیم برده و از رژیم خود گانه پهلوی گشتند. از در هم پاشیدگی "پارتی دمکرات" سه جریان بوجود آمد. دو جریان با دیدگاه رفمیستی - ناسیونالیستی سعی در احیا "پارتی دمکرات" و رنه و روغن زدن به آن (البته با رضایت امریکا و ملا مصطفی) شری به تعالیت مجدد نمودند که در راس آنها فرزندان ملا قرار گرفتند. جریان سومی که دارای گرایش پیشرو و انقلابی بود به احیا مبارزه مسلحانه در کردستان دست گذاشت. عمدتاً از این جریان بود که "اتحادیه میهن پرستان کردستان" تاسیس گردید. اتحادیه میهن پرستان کردستان که بعد از سرکوب جنبش کردستان در ژوئن ۱۹۷۵ (خرداد ۵۴) تشکیل گردید. برنامه خود را با هدف زیر اعلام نمود

- ۱ - احیای مبارزه مسلحانه و جنگ چریکی در مدت در کردستان تحت یک برنامه مرفی و انقلابی
 - ۲ - تحقیق بخشیدن به اصل خودکفائی
 - ۳ - ارتقا سی آگاهی سیاسی توده های کرد
 - ۴ - تقویت همبستگی بین کلیه نیروهای انقلابی و مرفی عراق
 - ۵ - بوجود آوردن یک جبهه وسیع مبارزه ای برای آزاد نمودن عراق از قید رژیم فاشیستی بعث عراق و تشکیل حکومت ائتلاف میلی اتحادیه یک شعار سرانسی برای اهداف خود مثل نبود "دمکراسی برای عراق و خود مختاری برای کردستان" در این اتحادیه کرایشات مختلف با خد متی غای دمکراتیک تا جریانات چپ و از عناصر ملی و مرفی که نمیتوانند در یک حزب جمع شوند بصورت جبهه ای جمع شدند. در واقع پایه های اصلی اتحادیه میهن پرستان را سه نیروی تقریباً متشکل تشکیل میدهند. ۱ - کوبوله و متحنگان
 - ۲ - سازمان مارکسیست - لنینیستی کردستان
 - ۳ - جنبش سوسیالیستی کردستان که در این جریان سویی اخیراً این شعب صورت گرفته است. در رهبری این قسمت شخصی باسم رسول محمد است که گفته میشود جاسوس دولت عراق است.
- اتحادیه انقلابی مبارزه با دیکتاتوران و دهقانان و خرد بورژوازی است که ما میتوانیم بین انقلاب راستین بعثت یا بیم و آن هم یک انقلاب ملی دمکراتیک باشد. اتحادیه میهن پرستان در مورد مسئله حزب و مبارزه مسلحانه نظریاتی داده دایه است که در نشریات کردی و عربی آن درن ظاهر است که قسمتی از آن را در زیر می آوریم
- " سپر منگای که مبارزان در خدمت حزب و برنامه داخلی آن ویا در اصول سیاسی و سازمانی و استراتژیک و تاکتیکی آن تجدید نظر میکنند لازم است که در نام چنین حزبی نیز نامی کنند تا نشان دهند که نام حزب مطابق محتوی نوین و شرایط نوین که حزب در آن تولد یافته است میباشد یا نه؟ زیرا نام یک شیئی مقدس نیست که نتوان در آن خدشه وارد ساخت. بلکه سمبل و فرسی است برای محتوی قابل تغییر و اکنون لازم است که اساساً آنرا تغییر داد. پیر بنا بر این چرا محتوی مجاز است ولی تغییر یا خدشه وارد کردن در فرم که همان نام باشد مجاز نیست" - اتحادیه میگوید " در سرزمین ما مبارزه مسلحانه مانای است که در آتش حزب پیشرو متولد میشود. چون امروز تنها شیوه اصلی و ممکن مبارزه در سرزمین ما مبارزه مسلحانه است. و سپر مطرح میکند ما بدون حزب میتوانیم مبارزه مسلحانه را شروع کنیم ولی بدون حزب به پیروزی نمی رسیم. و این سه سال مبارزه مسلحانه نشان داده است که راه ما درست بوده است. اتحادیه در این سه سال از مبارزه مسلحانه نتوانسته است در تمام شهرها و روستاهای کردستان برای خود پایگاه

